روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
دوشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۱ • ۲۴ محرم ۱۴۴۴ • ۲۲ آگوست ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۵۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۰۴
اذان صبح فردا ۵:۰۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۹

روزنامه شرق

• سد اکباتان که مهم‌ترین منبع آب شرب مردم شهر همدان محسوب می‌شود، متأسفانه این روزها به دلیل خشک‌سالی‌های اخیر و مدیریت غلط در مصرف بخش کشاورزی، صنعت و خانگی حال و روز خوشی ندارد.
عکس: ایمان حامی‌خواه/ مهر

دیالوگ روز

سخنرانی پادشاه - تام هوپر - ۲۰۱۰

برتی(کالین فرث): به من گوش بده لیونل(جفری راش): به حرفای شما گوش بدم؟ به چه حقی؟
برتی: به حقی که خدا به من داده، من پادشاه توأم
لیونل: نه نیستی، خودت بهم گفتی، گفتی که پادشاهی رو نمی‌خوای، چرا باید وقتم رو صرف گوش‌دادن به تو بکنم؟
برتی: چون من حق دارم شنیده بشم، چون من صدا دارم.

آکادمی

آداب سالمندی

بابک زمانی
نورولوژیست

وقتی بیمار از اتاق بیرون رفت، می‌ماند و می‌گوید: «آقای دکتر تو رو خدا کمکم کنین. نصفه‌شب فریاد می‌زنه. از اتاق، از خونه می‌زنه بیرون. یکهو همه‌جا را کثیف می‌کنه. خونه فقط ۶۰متره. شوهرم، بیچاره کارگره، چیزی نمیگه ولی بچه‌ها آروم ندارن. صاحبخونه ممکنه بیرونمون کنه. خونه‌اش اجاره بود، مامان که مرد تحویل دادیم. فقط منو داره. کارگر بازنشسته با همین دفترچه». سالمندی جامعه یک واقعیت انکارناپذیر است اما دلیل آن اجازه سقط جنین بر اساس غربالگری نیست. باعث و بانی اصلی آن وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی به‌علاوه ناوگان بزرگ دانش پزشکی در تمام دنیاست که بنا بر وظیفه‌شان با وجود مشکلات بسیار به کار خود ادامه می‌دهند. وقتی اکثریت نوزادان زنده می‌مانند و رشد می‌کنند و مثل صد سال پیش از هر سه نوزاد یکی فوت نمی‌کند، وقتی بهداشت و واکسیناسیون سلامت مادران و نوزادان را تأمین می‌کند، وقتی عفونت‌ها مثل عفونت‌های ادراری و ریوی (قاتلان سالمندان) روزبه‌روز با آنتی‌بیوتیک‌های بهتر و درک بالاتر درمان می‌شوند، وقتی تمام ریسک‌فاکتورهای بیماری‌های قلبی-عروقی درمان می‌شوند، وقتی امکان درمان سکته مغزی و قلبی در آستانه بسیاری از بیمارستان‌ها امکان‌پذیر شده، وقتی افزایش دانش عمومی علی‌رغم تبلیغات دولتی اجازه نفوذ به تفکراتی مثل طب سنتی و طب ایرانی را نمی‌دهد، همه و همه به این معناست که با وجود تمام مشکلات موجود در سیستم سلامت که سر به بحران می‌زنند، در همان زمانی که بسیاری از مردم در حال شکوه و شکایت از افزایش قرص‌ها در کیسه دوای خود هستند، جامعه در حال ماندن و سالمندشدن است. این یادداشت با اشاره به این بدیهیات می‌خواهد تأکید کند تکنولوژی مدرنی که حاصل آن تطویل حیات است، هم‌پای آن مستلزم بستر و فرهنگی مناسب است که مهم‌ترین فاکتور آن سپردن مسئولیت محصول خود، سالمندی، به جامعه است نه فرد و خانواده. همین‌جا گفته باشم که سپردن مسئولیت سالمندی به جامعه لزوما به‌معنای نگهداری سالمندان و بیماران دچار زوال عقل در خارج از خانه نیست بلکه برعکس ارزیابی شرایط خاص هر سالمند و هر بیمار و اداره وضعیت و بیماری او در بهترین فضای ممکن است. اینها آداب پرهزینه‌ای است که هر دولتی باید تقبل کند؛ به‌خصوص ادارات بیمه‌ای که از هر مستخدم یا کارگر یک عمر حق بیمه دریافت کرده‌اند. نه‌تنها مسئولیت حقوقی که تک‌تک تصمیم‌گیرانش مسئولیت اخلاقی و فردی سنگینی هم بر دوش دارند. اخیرا اداره جوانی در یکی از معاونت‌های وزارت بهداشت شروع به کار کرد. ان‌شاءالله هدفش یاری‌رساندن به افزایش امید به آینده در کشور و از این طریق افزایش زادوولد و باقی‌ماندن جوانان در کشور باشد نه مقابله با ادارات دیگری که فی‌ذاته به سالمندی جمعیت مشغول‌اند! به گمانم اداره‌ای به نام سالمندی هم وجود داشته باشد. امیدوارم چنین اداره‌ای به فرض وجود، به موضوع محدودی به نام طب سالمندی نپردازد و تمام موضوع را با وسعت و عمقی که تلاش کردم نشان دهد، ببیند.

امید به بهره‌برداری از انرژی خورشیدی

مهدی زارع

هفته پیش گروهی از منجمان آماتور به پایش خورشید در پایگاه رصدی قله سیاه‌سنگ (سیوسنگ) در ارتفاع سه‌هزار متری و فاصله ۲۳ کیلومتری شمال شهر بلده نور، البرز مرکزی در استان مازندران، پرداختند. نگارنده به همراه خانواده در این برنامه مشارکت داشت و با پردازش در محل تصاویر دریافتی و اعمال فیلترهای مختلف، امکان مشاهده مستقیم و همچنین تهیه تصویر از سطح خورشید و توفان‌های خورشیدی را یافت. تجربه‌ای فوق‌العاده هیجان‌انگیز بود که امید است با سرمایه‌گذاری برای ساخت یک رصدخانه دائمی در این محل که بعد از هشت سال مطالعه مکان‌یابی شده، پایگاهی دائمی برای مطالعات خورشید در ایران از طریق پایش مستقیم فراهم شود.

توفان خورشیدی با همان میدان مغناطیسی که چرخش‌های شعله‌ور را در زیر سطح خورشید ایجاد می‌کند، مقادیر عظیمی از پلاسمای خورشیدی را از خورشید بیرون می‌کشد و مانند یک توپ، آن را با سرعت بالا به فضا پرتاب می‌کند. به این حالت تخلیه جرم تاجی می‌گویند. برخلاف تابش شعله‌ور که با سرعت نور در حدود هشت دقیقه به زمین می‌رسد، پرتاب جرم تاج از ذرات باردار تشکیل شده است که کندتر حرکت می‌کنند. ممکن است از چند ساعت تا چند روز طول بکشد تا آنها به مدار زمین برسند. تقریبا هر ۱۱ سال، خورشید دوره‌هایی از فعالیت مغناطیسی بالا را تجربه می‌کند که به آن بیشینه خورشیدی می‌گویند. در طول این بیشینه‌ها، فراوانی این رویدادها به‌ویژه زیاد است. در سال حاضر، ما درحال ورود به بیشینه چرخه فعلی هستیم که انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۴ به اوج خود برسد. وسعت پرتاب جرم تاج معمولا با شفق‌های قطبی درخورتوجه همراه است. بااین‌حال بیشترین اثرها با مگنتوسفر زمین مربوط است که نوعی حباب محافظ است که زمین را در بر می‌گیرد. قدرت میدان مغناطیسی زمین قادر است ذرات باردار آزادشده در خورشید (باد خورشیدی) را منحرف کند. مگنتوسفر به زمین اجازه می‌دهد تا جو خود را حفظ کند. در تماس با یک جهش، مگنتوسفر فشرده می‌شود. تغییرات سریع میدان مغناطیسی زمین هرجا که بارهای الکتریکی آزاد وجود داشته باشد (مانند یونوسفر، یکی از لایه‌های جو ما) جریان‌های الکتریکی ایجاد می‌کند. سپس میدان‌های مغناطیسی پیچیده‌تری ایجاد می‌کند که به میدان مغناطیسی خود زمین اضافه می‌شود. این آشفتگی میدان مغناطیسی را توفان ژئومغناطیسی می‌نامند که به نوبه خود می‌تواند ارتباطات رادیویی و ماهواره‌ای را مختل کند. در شدیدترین موارد، می‌تواند باعث قطع برق شود. خورشید یک ستاره متغیر مغناطیسی است. شراره‌های خورشیدی، پرتاب جرم تاجی، باد خورشیدی با سرعت بالا و ذرات پرانرژی خورشیدی همه اشکال فعالیت خورشیدی هستند. تمام فعالیت‌های خورشیدی توسط میدان مغناطیسی خورشیدی هدایت می‌شود.

انرژی‌های تجدیدپذیر درحال‌حاضر بیش از ۲۲ درصد از کل تولید برق جهانی را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۱۸ بیش از ۴۰۰ گیگاوات (۳۲.۴ درصد) انرژی خورشیدی تولید شد. در طول پنج سال (۲۰۱۳-۲۰۱۷)، از انتشار معادل ۱۵ گیگاتن دی‌اکسید کربن از طریق تولید انرژی‌های تجدیدپذیر اجتناب شد. با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران یکی از مهم‌ترین منابع بالقوه انرژی تجدیدپذیر خورشید است. کشور با میانگین پتانسیل انرژی خورشیدی بالا و مساحت وسیع، موقعیت خوبی برای بهره‌مندی از رشد مداوم در تولید انرژی خورشیدی دارد. برای تأمین درصد مهمی از انرژی در سطح ملی از محل انرژی‌های تجدیدپذیر مطالعه برای توسعه بهره‌برداری از خورشید الزامی است. ذرات معلق در هوا، عمدتا ذرات معلق گردوغبار، رایج‌ترین منبع تضعیف تابش خورشیدی هستند که باعث مشکلات عملکردی در نیروگاه‌های فتوولتائیک و نیروگاه خورشیدی متمرکز می‌شوند. آئروسل تا ۸۰ درصد و گردوغبار تا ۵۰ درصد قادر است انرژی خورشیدی را تلف کنند.

درعین‌حال نظارت مستمر از تأثیر ذرات معلق بر انرژی خورشیدی یک فعالیت مهم در بسیاری از مراکز تحقیقاتی و عملیاتی هواشناسی است. آئروسل‌ها، پتانسیل تولید انرژی پنل‌های خورشیدی را با جذب و پراکندگی نور و قدرت پرتو مستقیم را -که تولید انرژی از آن بیشترین کارایی را دارد- کاهش می‌دهند. برق عرضه‌شده به شبکه باید تقاضا را به گونه‌ای متعادل کند که نوسانات غیرمنتظره در برق تولیدشده در تأسیسات خورشیدی کنترل شود.

خورشید یک ستاره متغیر مغناطیسی در مرکز منظومه شمسی است که محیط فضایی سیارات، ازجمله زمین را هدایت می‌کند. فاصله خورشید از زمین تقریبا ۱۵۰ میلیون کیلومتر است. در این فاصله نور از خورشید به زمین در حدود ۸ دقیقه و ۱۹ ثانیه می‌رسد. قطر خورشید تقریبا ۱۰۹ برابر قطر زمین است. جرم آن، حدود ۳۳۰ هزار برابر جرم زمین، حدود ۹۹.۸۶ درصد از کل جرم منظومه شمسی را تشکیل می‌دهد. حدود سه‌چهارم جرم خورشید از هیدروژن تشکیل شده است و بقیه بیشتر از هلیوم و کمتر از دو درصد از عناصر سنگین‌تر ازجمله اکسیژن، کربن، نئون، آهن و... تشکیل شده است. خورشید نه جامد است و نه گاز، بلکه در واقع پلاسما است. این پلاسما در نزدیکی سطح، ضعیف و گازی است؛ اما به سمت هسته هم‌جوشی خورشید متراکم‌تر می‌شود. خورشید را می‌توان به شش لایه تقسیم کرد. از مرکز به بیرون، لایه‌های خورشید به شرح زیر است: فضای داخلی خورشیدی متشکل از هسته (که داخلی‌ترین یک‌چهارم شعاع خورشید را اشغال می‌کند)، منطقه تابشی و منطقه همرفتی، سپس سطح قابل مشاهده به‌عنوان فوتوسفر، کروموسفر و درنهایت خارجی‌ترین لایه، تاج شناخته می‌شود. انرژی تولیدشده از طریق هم‌جوشی در هسته خورشید به خورشید نیرو می‌دهد و تمام گرما و نوری را که ما اینجا روی زمین دریافت می‌کنیم، تولید می‌کند.

هفته‌نوشت

ما کجای جامعه هستیم؟

الهام فخاری

افت جایگاه، کاهش رتبه دانش‌آموزان ایرانی در ارزش‌یابی‌های جهانی ریاضی و خواندن-نوشتن، میزان خرسندی از زندگی، وضعیت شهروندی خاص، خوب‌بود (رفاه) شهروندان و... همگی نمونه‌هایی از تعریف وضعیت فرد یا گروه/ جامعه هستند. به باور آلن دوباتن وضعیت، جایگاه فرد در جامعه و از دید ما افزون بر این، جایگاه جامعه (گروه) در میان جامعه‌هاست. اینکه در مقایسه با دیگران ما کجای یک گروه هستیم، ارزش و اهمیت ما در گروه چیست و چقدر جایگاه و بودن ما برای گروه ارزنده است. جایگاه حرفه‌ای، وضعیت تأهل، وضعیت در میان خویشاوندان و شاید جایگاه کنونی ما در مقایسه با گذشته خودمان وضعیت‌ها را روشن می‌سازد. جایگاه‌های فرد در گروه یا یک جامعه در جهان یکسان و پایدار نیست و دچار دگرگونی‌هایی می‌شود. چالش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی از جمله جنگ‌ها، رویدادهای طبیعی یا آدمی‌ساخته، ازدست‌دادن‌ها، پیروزی یا شکست و سیاست‌ها بر وضعیت آدم‌ها اثر می‌گذارند. گرچه امروزه در بسیاری کشورها وضعیت یا جایگاه فرد بیش از آنکه به تبار و خاستگاه خانوادگی وابسته باشد، به عامل‌هایی از جمله تلاش و شایستگی و توانایی هم پیوند خورده ولی همچنان در نبود سازوکارهای مردم‌سالارانه، در برخی کشورها وضعیت فرد از آبشخور تیره و تبار و دارودسته یا جناح مایه می‌گیرد. در سطح جهانی هم عامل‌های بیرونی و فراگیر مانند کشمکش‌های میان‌قاره‌ای، تنش‌های میان پیروان دین‌های گوناگون و... و هم عامل‌های درونی مانند مهارکردن یا نکردن تورم، فشار از بالا بر زندگی روزمره مردم، کنشگری یا کناره‌جویی در هنگامه سرنوشت‌ساز بر وضعیت فرد و جامعه اثر می‌گذارند. نابرابری در برخورداری از فرصت‌ها و به‌کارگیری شایستگی‌ها وضعیت فرد یا گروه را ناپایدار، ناخوشایند و همراه با خودپنداره منفی می‌سازد.

دگرگونی و ناپایداری وضعیت با خود هراس و دلهره به‌همراه دارد. دوباتن می‌گوید ملاک ما برای پذیرفتن و تاب‌آوری خویش بر پایه پس‌خوراندها و نشانه‌هایی است که جهان پیرامون دریافت می‌کنیم. اگر جهان پیرامونی یا قدرت چیره بر جامعه همواره فشار ایجاد کند و همواره ناپذیرا نسبت به گوناگونی‌ها سرزنش در پیش گرفته باشد به آسیب‌های ژرف از جمله اضطراب وضعیت می‌انجامد. سرزنش، سرکوب و فشار روانی-اجتماعی-اقتصادی فرد یا گروه را دچار تنش می‌کند و دوباتن در نوشته خود آن را «اضطراب وضعیت» نام نهاده است. این نوشته که چندین بار از سوی نشر نون بازچاپ شده برگردان مهدی نمازیان و در دسته منظومه زندگی است. ساختار نوشته افزون بر پیش‌گفتار که به چیستی اضطراب وضعیت می‌پردازد، دربردارنده دو بخش علل (پدیدآورنده‌ها) و راه‌حل (راه‌چاره)ها است. هر بخش هم دارای زیربخش‌هایی است. به باور نویسنده شکست به ریشخندکردن فرد یا گروه می‌انجامد، فشار زیاد فرادستان تنیدگی و خشم را دامن می‌زند، چون ما گمان می‌کنیم در پیشبرد ارزش‌هایمان ناتوان بوده‌ایم و ناگزیریم شرمسارانه ویرانی خویش و خرسندی دیگران را به تماشا بنشینیم، از خود بیزار می‌شویم و به ورطه رفتارهای ویرانگر می‌افتیم. با این‌همه دوباتن می‌گوید می‌توان با آگاهی از وضعیت و چرایی به‌هم‌ریختگی وضعیت چاره‌سازی کرد و از بهبودخواهی و ارزش‌های درونی خود برای برخوردی روادارانه با خویش بهره گرفت. ما باید با خود عادلانه روبه‌رو شویم، از کمال‌گرایی بهینه برای کنشگری و درجانماندن کمک بگیریم، رفتارهای زیان‌بارمان را بشناسیم و از آنها خودداری کنیم و در چارچوب گروهی، اجتماعی، راهکارهای اثربخش را پیگیری کنیم. در روزگار امروز ما که فشار سیاسی-اجتماعی و ناپایداری‌های ویرانگر اقتصادی بسیاری از مردم را دچار تنیدگی وضعیت کرده و هرکسی می‌کوشد به شاخه‌ای برای جستن از این روند چنگ بیندازد، خواندن چنین نوشته‌ای سودمند است. در جای‌جای این نوشته به ناکامی، ناارزنده‌پنداری، نادیده‌گرفته‌شدن، سرخوردگی و هول و هراسی که در پی دگرگونی وضعیت‌ها تجربه می‌شوند، پرداخته شده است. از پرخاش، رشک (حسادت)، خشم و اندوه سخن در میان است و شکست و چرایی و چگونگی‌های آن بازگو شده‌اند. دوباتن در بخش راه‌چاره‌ها از فلسفه، هنر، سیاست، دین و نامتعارف‌زیستن (بوهم) می‌گوید و روشن می‌سازد که راه رهایی از تنیدگی وضعیت، کناره‌جویی و سیاست‌گریزی و بی‌مرامی و سر به لاک خود فروبردن نیست. برای پایداری و بالندگی در میان چالش‌هایی که برای فروکاستن ارزش‌های فرد یا جامعه ایجاد می‌شوند، باید نخست چرایی تنیدگی وضعیت را دریافت، بینش سیاسی خود را بهبود داد، در کنشگری استوار بود و از شکست و رنج‌هایی که با فشارآوردن و انداختن وضعیت (جایگاه)مان پدید می‌آوردند، درهم نشکست.

توسعه

ابرچالش فقدان توسعه پایدار

ساغر شمسی: این روزها که ایران درگیر سیل، مشکلات حفاظتی از آخرین یوزپلنگ‌ها، گردوغبار و صدها معضل بزرگ محیط‌زیستی است، به نظر می‌رسد کشور با ابرچالشی به نام فقدان توسعه پایدار روبه‌رو است که قسمت عظیمی از مشکلات ذکرشده منتج از همین فقدان است. شاید بد نباشد کمی به پاسخ این پرسش بیندیشیم که چقدر در مسیر توسعه پایدار قرار داریم یا به عبارتی بهتر چقدر از این مسیر دور هستیم؟ رسالت انسان به‌عنوان سوبژه (دارای تفکر) در برابر طبیعت به‌عنوان ابژه (موضوعی برای تفکر و استفاده)، حفاظت است؛ یعنی مسئولیت آنچه برداشت می‌کند و برای توسعه تمدن از دست‌رنج مادر طبیعت استفاده می‌کند، تماما بر عهده اوست. آیا کشور ما نقش حفاظتی خود را خوب ایفا می‌کند؟ در ابتدا ضروری به نظر می‌رسد که معنای توسعه پایدار را متذکر شویم. توسعه پایدار مفهومی است که سال‌هاست کارشناسان محیط زیست برای چندوجهی‌سازی توسعه اقتصادی به کار می‌برند؛ به این معنا که توسعه پایدار به دنبال تأمین هدف‌ها و نیازهای جوامع انسانی است، بدون آسیب‌رساندن به نظام‌های حیاتی و اکوسیستم کره زمین. توسعه اقتصادی و اجتماعی مفهومی خطی و تک‌وجهی نیست و بر بستر محیط زیست و با تکیه بر منابع طبیعی حاصل می‌شود. اینکه اقتصاد چقدر از دیوار محیط زیست آجر برمی‌دارد و برای گسترش مکتب مصرف‌گرایی چقدر از مادر طبیعت هزینه می‌گیرد، مسئله‌ای است که معمولا باعث گسستی جدی میان کارشناسان محیط زیست و دولتمردان که خواهان توسعه اقتصادی یا در موارد متعددی تخریب و ادامه لنگ‌لنگان اقتصادی هستند، می‌شود. البته کاملا واضح است که توسعه اقتصادی فرایندی یک‌سویه و آسان و آرمانی تراش‌خورده نیست، بلکه تلاش برای ارتقای سطح کیفی مردم و گردآوری ثروت است و در واقع‌بینانه‌ترین حالت برای مقابله با تحریم‌های کشور، یک رشته از تحولات و تغییرات بنیادی را موجب می‌شود. بااین‌حال باید دید این فعالیت‌ها چقدر باعث دفرمه‌شدن و کژریختی محیط زیست می‌شود. اصل توسعه پایدار برای رسیدن به فرمولی برای درآمدزایی مادر طبیعت و درعین‌حال مراقبت از آن است و اینکه کشور ما در نقطه‌ای بحرانی به سر می‌برد که هنوز درگیر نادیده‌گرفتن اولویت‌ها، نقدناپذیری درخصوص توسعه به‌صورت صحیح و حل مشکلات مقطعی و بی‌فایده در مسئله آب است؛ راه‌حل‌هایی شبیه چسباندن وصله‌های ناجور در موقعیت‌های ناجور که با سطح کم اعتبارات تخصیص‌یافته به محیط زیست، بسیار بی‌دوام و بی‌کیفیت هستند و به‌این‌ترتیب با موفقیت در ناپدیدسازی و فقدان توسعه پایدار، دچار سیل‌زدگی، ازدست‌دادن گونه‌های در معرض انقراض مانند یوزپلنگ و... می‌شویم. مسائلی که منجر به خسارات و نابودی میلیاردها تومان هزینه‌های شهری و روستایی است و همچنین باعث آسیب‌های دائمی به منابع طبیعی می‌شود. ایران با اینکه صاحب ذخیرگاه‌های زیست‌کره بسیار باارزشی است، در عمل این عنوان را به‌صورت ژورنالیستی دارد و درحال‌حاضر در کشور شاهد دوئل بزرگ میان دولتمردان و محیط زیست و در بعضی موارد ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره هستیم که صدالبته برنده‌ای نخواهد داشت و تیری که از ماشه برای محیط زیست بیرون رفته، درنهایت کمانه می‌کند و بدبختانه به مردم بازمی‌گردد. اما فعلا برای گذار از مشکلات اقتصادی بدون راه‌حل، محیط زیست نادیده انگاشته شده و شاهد قطع ارتباط بوم‌شناختی در منابع طبیعی، معدن‌کاوی‌های گسترده، احداث سدهای غیرضروری و کارشناسی‌نشده، توسعه صنایع آب‌بر در شهرهای خشک و کم‌بارش و... هستیم. فقط در صورتی می‌توان به این دوئل خطرناک پایان داد که مسئولانی که در سطح کلان برای منابع طبیعی تصمیم می‌گیرند، به این باور برسند که انسان به‌صورت اندام‌وار و پیوسته، جزئی از مجموعه‌ای اکوسیستم است و برای استفاده از منابع طبیعی باید نقش حفاظتی خود را انجام دهد و با مدارا و تعیین قوانین صریح و روشن، این رابطه یک‌طرفه را تبدیل به تعاملی پایدار کند و در آن زمان و بعد از بازه زمانی نسبتا طولانی می‌توان به بهبود شرایط در زمینه توسعه پایدار امیدوار شد. با نگاهی به زندگی مبتنی بر بوم‌شناسی پدرانمان در ایران (که کشوری نیمه‌خشک و کوهستانی به‌شمار می‌آید) و تلفیق آن با امکانات مدرن، می‌توانیم به الگوهای بسیار خوبی برای حرکت به سمت توسعه پایدار برسیم. برای مثال نحوه مدیریت زندگی و همچنین انقیاد از طبیعت در حاشیه کویر یا کوهپایه‌ها یا جلگه‌ها بسیار متفاوت بوده است. پدران ما هرگز اجازه نمی‌دادند رویشگاه‌ها درگیر توقف و قطع گسترده درخت شوند یا راه‌های هدایت سیلاب و همچنین بهره‌برداری از قنات‌ها و... را بدون اینکه درگیر توهم دانش باشند، با تعاملی بسیار هوشمندانه در ارتباط با طبیعت می‌دانستند.

زنان

بازنویسی زنان در تاریخ سینما

نیویورک تایمز گزارشی از یک نمایشگاه درباره نحوه حضور زنان در سینما منتشر کرده است. جالب توجه است که در فیلم‌های کوتاه اوایل قرن بیستم، ستارگان آن زمان کلیشه‌های جنسیتی را که بعدا جزء معیارهای استاندارد هالیوود شده، به چالش می‌کشند. در این نمایشگاه از پیشتازان اخیر سینما از ابرقهرمانان زن، صحبت‌های زیادی شده است. مدت‌ها قبل از اینکه زنان شگفت‌انگیز و خواهران آمازونی‌اش به پرده سینما بیایند، مدت‌ها قبل از اینکه فعالان فمینیست شروع به بازخوانی نابرابری‌های صنعت فیلم کنند و مدت‌ها قبل از اینکه فیلم‌های ناطق رواج پیدا کنند، زنان در فیلم‌ها برای برابری جنسیتی و علیه کلیشه‌ها می‌جنگیدند. آنها آشوبگرانه نقشه می‌کشیدند، مبارزه می‌کردند و از قراردادها سرپیچی می‌کردند، مسابقه می‌دادند و می‌خندیدند و راه خود را به‌سوی رهایی پیش می‌بردند. عنوان این برنامه که به آزادی زنان در سینما می‌پردازد؛ «ملکه‌های نابودی (زننده): گزیده‌ای از فیلم‌های اولین زنان زننده سینما» است. این برنامه شامل ۱۱ فیلم است که در دو روز در سینمایی به نمایش درمی‌آید و ۲۷ سپتامبر نیز به‌صورت چهار دی‌وی‌دی عرضه می‌شود. هرچند قرار است به‌تدریج افزایش یابد و تبدیل به مجموعه‌ای شامل ۹۹ اثر کمیاب تولیدشده از سال ۱۸۹۸ تا ۱۹۲۶ بشود. آثاری که از آرشیوها و کتابخانه‌های سراسر جهان به دست آمده‌اند؛ یک پیروزی در عرصه تاریخ‌پژوهی! این می‌تواند سرآغازی برای بازاندیشی و بازنویسی تاریخ جریان اصلی سینما باشد؛ تاریخی که برای مدت طولانی نقش اساسی زنان و رنگین‌پوستان را به اشتباه روایت می‌کرد. تاریخی که نه‌تنها به‌سادگی آن مشارکت‌ها را به حاشیه برده بلکه مدام آنها را نادیده گرفته و حتی حذف کرده است. این پژوهش تلاش برای پاک‌کردن خشمی است که هم حس ما از گذشته و هم درک ما از حال را شکل داده است. زنان و رنگین‌پوستانی که در این تلاش شرکت می‌کنند، یک ضد تاریخ آرزویی نمی‌سازند، آنها خود را به تاریخی برمی‌گردانند که به ایجاد آن کمک کرده‌اند. عنوان این ابتکار خاص الهام گرفته‌شده از حرف «دونالد ترامپ» خطاب به هیلاری کلینتون در مناظره نهایی ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ بود که او را یک «زن زننده» نامید. عنوانی که به‌سرعت تبدیل به یک میم و یک فریاد فمینیستی شد. در راهنمایی که برای این مجموعه در نظر گرفته شده است؛ محققانش «مگی هنفلد»، «لورا هوراک» و «الیف رونگن-کایناکچی» - می‌نویسند که برچسب «زنان زننده» به دلیل اینکه به‌خوبی با روحیه خشمگین جنبش‌های فمینیستی قرن بیست‌ویکم همخوانی دارد، عنوان شایسته‌ای است. حتی اگر قراردادن این پروژه با یک توهین باشد اما برای یادآوری این اتفاقات ضروری به نظر می‌رسد.